

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – پنجم سپتمبر 2011

ناکام مضمون پشتو طنز نیست!!!

روز دوم عید سعید روزه بود که عزیزی بس صمیم از "میونش" و باصطلاح ایرانیان که از فرانسوی استعاره کرده اند، از "میونیک" تلفون زد. عید را تبریک گفته و از برکت آن آیام فرخنده، خوشی و خرمی این دوست خود را آرزو کرد. من هم که آن عزیز را واقعاً دوست دارم، متقابلاً عید را برای خودش و اهل بیت شریفش مبارکباد گفته و آرزومند خوشی و برومندی همیشگی ایشان گشتم. این دوست مهربان که همکار دائمی و گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" هم میباشد، اصلاً پشتوزبان و از ولایت پکتیاست، ولی با چنان زیبایی دری گپ میزند، که هوس آدم می آید. من که ازین مکالمه لذت میبردم و میدیدم که یک پشتون ما با این سلاست و خوشمنائی به دری سخن میگوید، برایش گفتم:

«فلانی جان!

تو چقدر روان و زیبا دری گپ میزنی و مره بلا زده که نمیتام پشتو گپ بزمن، در حالی که زبان ارجمند پشتو را بالاتر از مردمک چشم خود دوست دارم.»

خندید و گفت:

«خیر اس ماروفی صایب!

اگر جهانی دیگر پس ازین زندگانی بود و ما دوباره زنده شدیم و من معلم مضمون پشتوی تان شدم، باز شما را ناکام میکشم!!!»

بسیار خنده کردیم و ازین مزاق (مزاح) شیرین و نمکین که باعث فرحت و انبساط خاطر هردوی ما در روز عید گشته بود، لذت بردیم.

بعد از ختم تلفون بیاد آوردم که من و همدوره های من و اشخاصی پیش از ما، از جمله کسانی میباشیم که از صنف اول مکتب پشتو میخواندند. جملات اوائل کتاب پشتوی ما در صنف اول چنین بود:

وا وا مکتب جاری شو

هلوک ورته راهی شو

آسان لوستل دی

آسان لیکل دی

دا جشن دی د نجات

دا اختر هم دی برات

و زیر عنوان "خزان" و برگریزان این جمله بیادم مانده است:

"ترپ ترپ توئیری پانی."

(برگها ترپ ترپ میریزند.)

خلاصه با وجودی که از صنف اول تا صنف دوازدهم مکتب - که از صنف دوم به بعد در لیسه جلیل حبیبیه گذشت - پشتو خوانده ام و نمراتم در پشتو بین 6 تا 8 حرکت میکرد و با وجودی که متون پشتو را بدون اشکال درک کرده میتوانم، اما متأسفانه قادر نیستم که بدون هراس و ترس و لرز پشتو گپ بزنم. نمرات خوبم در پشتو مگر نه محصول قدرت محاوره ام درین زبان بوده است، بلکه معلمان پشتوی ما در هنگام امتحان غالباً سوالات گرامری میکردند و من در گرامر تکره بودم. معلم صاحبان وقتی میدیدند که به هر سوال صرف و نحو پشتو به نحو احسن جواب میدادم، فکر میکردند که درین مضمون واقعاً صحیح وارد استم.

به رغم مثل معروف کابلی که گوید "در هفت که نشد، در هفتاد؟؟؟" - یعنی وقتی در خردی میسر نگشت، در پیری نتوان جبران مافات کرد - حالا که خزان عمرم دررسیده است، خیلی مایلیم که این زبان ارجمند ملی و رسمی ما را که با زبان عزیز دری ارزش و اهمیت یکسان دارد، و هر دو را بمانند چشم راستم دوست دارم، درست یاد بگیرم. از همین رو دروس پشتوی را که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از طرف معلم گرامی آن "استاد محمد اسحاق برکت" پیش برده میشود، با جدیت تمام تعقیب میکنم و مطالعه روزمره مطالب پشتو را در پورتال که ممد دیگرم در زمینه فراگرفتن و تقویه این زبان میباشند، هرگز فراموش نمیکنم.

اما علت چه بوده است که متعلمان دری زبان مکاتب مثلاً در چشم و چراغ وطن - اعی "کابل نازنین" و به فرموده ابوالفضل بیهقی "حضرت کابل که پاینده باد!!!!" - با وجودی که لااقل هشت سال تخت روزانه یک ساعت درس پشتو داشتند، این زبان را درست نیاموخته اند؟؟؟ ضمن جست و جوی علل مختلف این تقصیر، باید در پی یافتن علت اصلی این امر برآمد!!!

یقیناً که درینجا طیفی از علل موجود است که باعث گردیده تا دری زبانان به ندرت بر زبان ارجمند و مهم پشتو تسلط پیدا کنند. به ارزیابی این کمین، علت اصلی "عدم تسلط دری زبانان بر زبان پشتو"، در "تسلط پشتوزبانان بر زبان دری" نهفته است!!!!!! چون اکثریت مطلق پشتوزبانان، زبان دری را یاد دارند و بدون هیچ اشکالی با دری زبانان به دری گپ میزنند، دری زبانان هم بنا بر خاصه ذاتی "عطالت" جداً بدنبال یادگرفتن زبان پشتو برنیامده اند.

این را به نکوئی میدانیم، که انسان ذاتاً و طبیعتاً "تنبیل" آفریده شده و میخواهد "ساده ترین" و "بی مانع ترین" راه را انتخاب نماید؛ در هر موردی که باشد. در فزیک صنف هفتم قانونی را زیر عنوان "عطالت" (Inertia) این طور خوانده بودیم:

«جسم ساکن همیشه ساکن میماند و جسم متحرک، همیشه متحرک، تا علت و عاملی باعث تغییر حالتش نگیرد.»

و گوئی "قانون عطالت دری زبانان" بستگی مستقیم به "تحرک و عمل فعال پشتوزبانان" ما دارد. وقتی پشتوزبانان عزیز ما تقریباً بالعموم "دری" را یاد میگیرند و مثل "بلبل" دری گپ میزنند، باعث میگردد که "عطالت طبیعی و ذاتی" دری زبانان، قمچین نخورده بماند. چون غرض از یادگرفتن و به کار بستن زبان - هر زبانی که باشد - افهام و تفهیم و اخذ و انتقال و مبادله خبر و معلومات است، دری گپ زدن پشتوزبانان، این منظور را بکلی رفع میسازد و گوئی ضرورتی نمی افتد که دری زبانان هم قدم رنجه فرموده و زبان پشتو را یاد بگیرند تا با پشتوزبانان به پشتو سخن گویند. البته این در جاهانیست که دری زبانان در اکثریت اند و اگر باری دری زبانان در مناطق پشتون نشین اقامت گزینند، بالاجبار زبان پشتو را یاد میگیرند و مبادله خبر و افهام و تفهیم به زبان پشتو صورت میگیرد. چه خوبست که از کتاب مستطاب و معتتم "پژوهشی در تاریخ هزاره ها" اثر حسین علی یزدانی(حاج کاظم) پراگرافی را نقل بنمایم تا شاهد مثال و مصداق عملی ما باشد در زمینه؛

هرچند در کنه مسأله شاید کس شک نکند. مؤلف ارجمند در صفحات 306 – 307 جلد اول این کتاب زیر عنوان "هزاره هائی که پشتون و بلوچ شده اند" چنین آرد:

« هزاره هائی که پشتون و بلوچ شده اند:

از عنوان فوق شاید دچار تعجب شده باشید، اما واقعیت دارد. بعض اقوام هزاره در اثر مجاورت طولانی با برادران پشتون و بلوچ به مرور زبان و فرهنگ آنان را فراگرفته اند و به زبان پشتو و یا بلوچی سخن گویند. مذهب تسنن دارند و لباس چون آنان میپوشند. از آن جمله هزاره های جلال آباد هستند. در گذشته هزاره های بهسود مناطق وسیعی را در اختیار داشتند که این منطقه از حدود جلال آباد و بهسود مشرقی و لغمانات گرفته تا کابل و میدان و جلریز و بهسود هزاره جات را شامل می شد. بهسود مشرقی قشلاقگاه و بهسود هزاره جات بیلاقگاه این مردم بود. هزاره ها در قرون بعدی به تدریج از بهسود مشرقی و نواحی کابل و میدان به سوی هزاره جات عقب نشینی کردند، اما عده کمی از آنان استقامت ورزیده در بهسود مشرقی ماندگار شدند و بمرور ایام فرهنگ و زبان برادران پشتون را فراگرفتند و با آنان خویشاوندی پیدا کردند و رابطه ایشان با هزاره جات قطع گردید» (چاپ دوم، تابستان 1372 ، چاپخانه مهر – قم، ایران)

در آخر این سطور باید بصراحت بگویم که با پیشکش این نکته هرگز در صدد توجیه "یادنگرفتن پشتو" نیستم، فقط خواستم به تفحص علت برایم و همین را یافتم؛ شاید که به خطا رفته باشم!!!! هدم ازین نوشته "انداختن بارِ تقصیر دری زبانان مبنی بر یاد نگرفتن پشتو، به گردن پشتوزبانان" نیست؛ هرگز و به هیچ صورت!!!!!!